

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

میرویس ودان محمودی

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۲

## سردار آزادی عطاء محمد (لاله کو)!



تقدیم به یاران و دوستداران زنده یاد مجید کلکانی!

از راست به چپ: زنده یاد عطا محمد مشهور به لاله کو/ زنده یاد مجید کلکانی و

زنده یاد کاکا امان الله.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) با مولود مبارکش در عرصه مبارزات انقلابی و آزادیخواهانه به مثابه یک سازمان طراز نوین، پیشتاز و عمدہ در جنگ بزرگ میهنی علیه استعمار شوروی از موضع چپ در عمل رزمید و

صد ها تن از صفوفش را در راه رهائی کشور از دست داد که یکی از آن شهداء و جانبازان راه آزادی زنده یاد (لاله کو) بود.

لاله کو دارای اخلاق حمید و ستودنی بود و در امورات انقلابی یک مرد دارای معیارهای قانونی، مبارز تمام عیار، سازمانده خوب توده ها و دارای انضباط و دسپلین انقلابی بود. این شخصیت عالی در تاکستانهای مرد خیز کلکان به دنیا آمد و سرانجام خونس را به خاطر نجات میهن و بارور ساختن نهال آزادی کشور و نجات مردم آن از فقر و بدبختی در کوه صافی هدیه نمود.

وی مخالف شدید تسلیم طلبی بود و بالای جنگ انقلابی تا به آخر پافشاری می کرد. پدیده شوم تسلیم طلبی توسط داکتر صدیق بر بستر اوضاع غالب آن زمان نر شمالی گسترش یافت. وقتی این مرض مزمن دامان "ساما" را فراگرفت. "لاله کو" شدیداً به ضد تسلیم طلبی نفرت و انزجارش را بدون ترس بر ملاء ساخت و حتا تصمیم به همبارزه مسلحانه علیه تسلیم طلبان گرفت.

"لاله کو" به مثابه شیر زیان رزمید و تسلیم دشمن غدار نگشت. زمانیکه نجیب فاشیست به همکاری تانک و توپ - هلکوپتر و سربازان روسی به جبهه "ساما" در کوه صافی حمله کرد لاله کو و یارانش با بلند کردن شعار های یا مرگ یا آزادی تا واپسین نفس به ضد تجاوزگران و نوکران پلید خلقی- خادی و پرچی شان رزمید. خاطره و یاد آن سردار آزادی و یاران دلاورش گرامی باد!

(ساما) در عمل به مثابه یک گردان پیشتاز علیه تجاوز و نوکران بومی اش رزمید و نسبت به همه سازمانهای مدعی مبارزه هم جانانه رزمید و هم خون داد و این یک حقیقت انکار ناپذیر می باشد. روسها و گلبدین بار ها اقرار کرده اند که اگرمائوئیستهای سامائی را در شمال و جنوب کشور ضربه می زنیم سر از شرق و غرب افغانستان بیرون می کنند!

در شرایط فعلی که عصر عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری و جنبش های رهانیبخش می باشد عناصر و نیرو های انقلابی خویش را در یک جنگ زرگری در اینسوی ابحار مصروف نگهداشته اند و به رخ همدیگر شمشیر می کشند. درینجا با دو نوع از مدعیان انقلاب بر خورد می کنیم یکی جاه طلب و بی عمل و دیگری متواضع و فروتن و دارای عملکرد های مبارزاتی!

آن که در پراتیک و عمل هیچ کاری را انجام نداده است و به خاطر رهائی میهن یک روز هم نرزمیده است در مسند قاضی نشسته در غیاب انقلابیونی که با خون سرخ شان درخت آزادی را باور و مثمر نمودند تهمت های نامردانه می زنند، ترور شخصیت می کنند و قضاوت بر مبنای جعل و دروغ می نمایند تا عقده های حقارت شان را فرو نشانند.

زمانی که آن انقلابیون و اسطوره های مقاومت زنده بودند منتقدین در مقابل شان دولا دولا شده و تا به زانو سر خم و تعظیم می کردند و اما حالا بعد از گذشت سه دهه؛ جاهلانه و به شیوه کاملاً نامردانه و اپورتونیستی به رهبران بزرگ جنبش مقاومت می تازند و حمله می برند!

اینها به جای این که خواهان وحدت ایدئولوژیک و تشکیلاتی بین نیرو های انقلابی شوند نابخردانه فاصله ها را عمیقتر می سازند و در حالی که امروز باید به خاطر برپائی جنگ خلق به کازار انقلابی و مبارزه دموکراتیک در بین توده ها پرداخته و اذهان توده ها را روشن سازند و جنگ خلق را در عمل براه اندازند تا پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و گذار از آن به سوسیالیسم میسر گردد، بر گردهای انقلاب و مبارزه پارس می کنند.

درین اواخر حملات خائینانه افراد معدودی برابر مرد بی بدیل "مجید قهرمان" افزایش یافته است. اگر دیروز به ایشان اوانتاریست خطاب می کردند امروز ایشان را اپورتونیست و...مخاطب می کنند! انتقادیون از دیدار بزرگمرد با حفیظ الله امین انتقاد می کنند گرچه این قماش مردم به زعم خود شان در مسائل ایدئولوژیک و تئوریک به معراج فهم و دانش رسیده اند و اما در کمال تأسف نمی دانند که رهبران بزرگ پرولتاریا نیز در مقاطع مختلف مبارزه، حتائنتلاف های با دشمنان بسته اند، تا چه رسد به یک دیدار به منظور کمائی نمودن فرصتی برای کار و مبارزه که در بطن خود به نحوی حملات جنایتکارانه دشمن را نیز به تعویق انداخت؛ مثلاً با وجود دانستن اشتباهات کمون پاریس مارکس نیز به خواست توده ها به انقلاب شرکت کرد، لنین در جریان کار دموکراتیک به اتحادیه های زرد رجوع کرد و مائو با چانکای شیک قاتل کمونیست ها علیه جاپان متحد شد!

برای آنانی که دست به این نامردی های زشت می زنند هوشدار جدی می دهم که اگر از این اعمال ننگین شان منصرف نگردند آنها را با اسمای اصلی و آدرس های فعلی شان افشاء و رسوا خواهم ساخت زیرا ما به جنگ زرگری نیاز نداریم و نیاز مبرم ما اتحاد جنبش چپ تحت یک رهبری انقلابی می باشد.

مجید بزرگ در قلوب اکثریت خلقت جا دارد و در گذشت زمان به این محبوبیت اضافه می گردد. مجید با سر افرازی زیست و با مردانگی تمام خونس را نثار کرد و اما منتقدین و نقادان زنده هستند و در خارج از کشور زندگی های خوبی را نیز دارند.